

راهم را هموار کن، آن گاه همه چیز را خواهیم دید؛ و تو را نیز

پروین بختیارنژاد

سازمان جهانی بهداشت اعلام کرده است ۱۵۰ میلیون نفر از جمعیت جهان به نحوی از نظر بینایی با مشکل مواجهند که از این تعداد ۳۸ میلیون نفر نابینا هستند. نکته قابل تأسف اینکه بیشترین درصد از افراد یادشده در کشورهای موسوم به جهان سوم زندگی می‌کنند. از سوی دیگر سالانه حدود ۲ میلیون نفر در اثر حوادث مختلف یا عدم رعایت بهداشت به این جمعیت اضافه می‌شوند^۱. همچنین براساس آمار موجود، در حال حاضر در کشور ما نیز حدود ۵۰۰ هزار نابینا و کم‌بینا وجود دارد که از این تعداد ۱۲۰ هزار نفر نابینا هستند.

در این گزارش، ضمن بیان تاریخچه‌های کوتاه از فعالیتهایی که در زمینه ارائه خدمات به نابینایان و کم‌بینایان در ایران و جهان صورت گرفته است، با اندکی تفصیل بیشتر، از ساختار، کیفیت و دامنه‌های فعالیتهای مؤسسه استثنایی عصای سفید - که یک تشکل با سابقه غیردولتی در امور مربوط به نابینایان است - شرحی ارائه می‌کنیم و خواهیم دید چگونه تلاشهایی که با درون‌مایه‌های بسیار محدود آغاز می‌شوند، به تدریج به الگوهای موفق برای اخذ سرمشق و مبادرت به انجام کوششهای مشابه، تبدیل می‌گردند.

1. (www.WHO.int/archives/inf-pr-1997/en/pr97-15.html)

تاریخچه ایجاد مؤسسه‌های توانبخشی نابینایان در جهان و ایران

۱. جهان

هر نوع معلولیت جسمی باعث می‌شود که در روند عادی زندگی فرد، اختلالهای اساسی ایجاد شود. بنابراین نظام اجتماعی هر جامعه، چه به لحاظ اخلاقی و چه به لحاظ اقتصادی، موظف است سازمانهای لازم را برای ورود این افراد به مسیر جاری زندگی ایجاد کند.

نخستین مؤسسه توانبخشی سازمان‌یافته نابینایان - به معنای امروزی آن - در سال ۱۹۱۵ در انگلستان آغاز به کار کرد. این مؤسسه برای توانبخشی افرادی که در جریان جنگ جهانی اول چشمان خود را از دست داده بودند تشکیل شد. دو سال بعد در سال ۱۹۱۷ مرکز توانبخشی نابینایان در ایالت مریلند امریکا نیز کار خود را شروع کرد. مسئله توانبخشی و رسیدگی به نابینایان تا سالهای اولیه دهه ۱۹۴۰ میلادی که مصادف با جنگ جهانی دوم و صدمات ناشی از آن بود، پیشرفت چشمگیری داشت به گونه‌ای که تمرکزی ویژه بر امر آموزش - نظیر آموزش خط بریل و حروفچینی - و تأکید بر آماده‌سازی روحی از طریق ارائه مشاوره و ایجاد زمینه‌های تفریحی در برنامه‌های آنها آشکار است. با پایان یافتن جنگ جهانی دوم و حوادث و خسارتهای انسانی ناشی از آن، مراکز متعددی در سایر کشورها به علت نیاز مبرم افراد نابینا و کم‌بینا به شکلی گسترده تأسیس شد.^۱

۲. ایران

در ایران نیز توجه به امور نابینایان، سابقه‌ای دیرینه دارد. در سال ۱۲۹۹ خورشیدی (۱۹۲۰ میلادی) به اهتمام کشیشی آلمانی به نام کریستیفیل، مرکز تربیتی و آموزشی برای نابینایان در تبریز تأسیس شد که به مدت ۲۰ سال در این زمینه فعالیت کرد اما مدتی پس از آغاز جنگ جهانی اول، کار این مرکز متوقف شد. همچنین دکتر محمد خزائلی^۲، در سال ۱۳۱۷ آموزشگاه خزائلی را در اراک

۱. فاطمه مهدی‌فر، «توانبخشی نابینایان»، روزنامه همشهری، ۱۴/۵/۱۳۸۲

۲. دکتر محمد خزائلی اراکی یکی از برجسته‌ترین فعالان و پیشکسوتان امور مربوط به نابینایان ایران بود به نحوی که تلاشهای او تا حد زیادی پیمودن این راه را برای کوشندگان بعدی هموار ساخت. خزائلی در سال ۱۲۹۲ در کرهرود اراک متولد شد و در ۱۸ ماهگی با ابتلا به بیماری آبله، بینایی خویش را از دست داد. خزائلی کار خود را در زمینه آموزش به نابینایان در اراک آغاز کرد و سپس با انتقال فعالیتها و تجارب خود به تهران و تأسیس آموزشگاه نابینایان، ←

تأسیس کرد. او که در آن تاریخ تنها ۲۵ سال داشت، به تلاشهای خود در این زمینه ادامه داد و طی سالهای بعد، فعالیت خود را در کشور وسعت بخشید.

با گسترش توجه به امور نابینایان، در تهران نیز از سال ۱۳۲۸ آموزشگاهی شبانه‌روزی با عنوان کانون کار و آموزش رودکی در خیابان ری تأسیس شد که حوزه فعالیت آن، کلاسهای مقطع ابتدایی و کلاسهای فنی و حرفه‌ای بود. این کانون در سال ۱۳۳۶ به مؤسسه بین‌المللی لاینز واگذار گردید و با گسترش فعالیتهای خود در دهه ۱۳۴۰ به نتایج قابل توجهی در زمینه آموزش نابینایان نایل شد. در سال ۱۳۳۰ خورشیدی یک زن انگلیسی به نام گونگاستر، مرکزی به نام "تورآیین"^۱ را در اصفهان برای دختران نابینا تشکیل داد و در کنار وی، کشیش کریستیفیل هم مجدداً پس از وقفه‌ای ده‌ساله، فعالیت خود را این بار در شهر اصفهان آغاز کرد. کریستیفیل، که هدف اصلی او شناساندن کارایی و توانایی نابینایان به جامعه ایران بود، نقش مهمی در آموزش و توانبخشی ذهنی و روحی به افراد نابینا ایفا کرد و وی را باید از پیشگامان این امر دانست. از جمله اقدامات قابل توجه کریستیفیل، تطبیق علائم و نشانه‌های الفبای زبان فارسی با خط بریل بود که آن را به دانش‌آموزان تعلیم داد و کتابهای درسی آنها را نیز به این خط برگرداند. وی در سال ۱۳۴۰ درگذشت.

به طور کلی به نظر می‌رسد دهه ۱۳۴۰ آغاز شکوفایی فعالیتهای توانبخشی مربوط به نابینایان است. این شکوفایی که زمینه‌های آن طی دهه‌های گذشته فراهم شده بود، در طول دهه ۱۳۵۰ تداوم یافت. برای مثال در سال ۱۳۴۳ نخستین انجمن خیریه نابینایان در تهران به کوشش دکتر محمد خزائلی و افراد خیر دیگر با نام «انجمن حمایت و هدایت نابینایان برای بزرگسالان» آغاز به کار کرد.^۲ این انجمن در سال ۱۳۴۹ با سازمان ملی رفاه نابینایان ادغام شد. سازمان مزبور که به صورت

→ و نیز نخستین آموزشگاه شبانه برای بزرگسالان در پایتخت، وارد مرحله جدیدی از زندگی پرثمر خود شد. وی که مردی خودساخته، شاعر، ادیب و بالاتر از همه انسانی والا بود، در طول زندگی پرتلاش و پرثمر خود موفق شد سه درجه کارشناسی و دو درجه دکتری در رشته‌های الهیات و علوم قضایی کسب و دو نشان درجه اول علمی و یک نشان درجه دوم علمی، دریافت کند. از وی ۳۵ عنوان کتاب ارزنده به جای مانده است که برخی از آنها در دانشگاه تدریس می‌شود.

متأسفانه خزائلی موفق نشد ثمرات و نتایج بعدی تلاشهای خویش را ببیند و در بامداد روز ۲۱ خرداد سال ۱۳۵۳ در سن ۶۱ سالگی دار فانی را وداع گفت. برای اطلاع بیشتر در این زمینه نک به:

منصور برجیان، نوایغ و مشاهیر معلول جهان، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۶، صص ۱۰۶-۱۰۸.

۱. مرکز نورآیین اصفهان از سال ۱۳۵۸ به «آموزشگاه نابینایان انقلاب» تغییر نام داد.

2. <http://www.Isblindorg/intro-2htm>

نهادی نیمه دولتی اداره می‌شد، پس از پیروزی انقلاب اسلامی تحت نظارت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی کنونی قرار گرفت.

طی سالهای اخیر، تشکلهای مربوط به نابینایان، تا حدودی به لحاظ کمی، رشد داشته است. مطابق آمار موجود تا پایان خرداد ماه ۱۳۸۲ تعداد ۲۴۷ تشکل در امور مربوط به معلولان، فعالیت داشته‌اند که از آن میان ۵۰ تشکل غیردولتی به صورت تخصصی در زمینه نابینایان و کمبینایان در کشور فعالیت می‌کنند.^۱ از میان تشکلهای غیردولتی «انجمن نابینایان ایران» و «مؤسسه عصای سفید» دو نهاد شناخته شده‌ای هستند که در تهران استقرار دارند.^۲

انجمن نابینایان ایران

در سال ۱۳۷۲ با کمک نهادها، ارگانهای دولتی و افراد خیر، «انجمن نابینایان ایران»^۳ که مؤسسه‌ای خیریه است، با هدف جلب همیاری و کمکهای مردمی به افراد نابینا و خانواده ایشان؛ فراهم کردن امکانات رفاهی، بهداشتی - آموزشی و فرهنگی برای افراد نابینا؛ برقراری ارتباط با مراکز نابینایان داخل و خارج از کشور و مراکز بین‌المللی مشابه، به منظور ارتقای سطح علمی اعضا؛ برگزاری کنفرانس‌ها، سمینارها و سخنرانیهای علمی، مذهبی و شرکت در سمینارهای بین‌المللی؛ ارائه خدمات مشاوره‌ای در زمینه‌های گوناگون و انتشار نشریه تأسیس شد.

اعتبارات و بودجه انجمن از طریق کمک افراد خیر، امور وقفی، برگزاری نمایشگاه و همچنین کمک مؤسسه‌ها و سازمانهای دولتی و خصوصی تأمین می‌شود. نکته قابل توجه آنکه شاخه جوانان انجمن نابینایان ایران، در سال ۱۳۷۷ تأسیس شد و اکنون در قالب پنج کمیته (علمی - فرهنگی - هنری، اجرایی، تبلیغات، ورزشی و مالی) انجام وظیفه می‌کند. اصلی‌ترین هدف این گروه تأسیس استودیوی صدا در کتابخانه گویا، جهت تهیه و تکثیر نوارهای درسی و غیردرسی برای استفاده دانشجویان و دانش‌آموزان نابیناست.

۱. نابینایان، پیشگام معلولان، نخستین همایش علمی - فرهنگی تحصیلکردگان نابینا، روزنامه اعتماد، ۱۳/۵/۱۳۸۲.
 ۲. اگرچه سازمان بهزیستی به طور رسمی، متولی امور مربوط به نابینایان است، به دلیل حجم گسترده نیازهای آنان و عدم توانایی این سازمان در پاسخگویی به مطالبات آنها، گرایش قابل توجهی به سوی نهادهای صنفی و حمایتی غیردولتی به چشم می‌خورد.
 ۳. سایت اینترنتی انجمن نابینایان ایران (پاورقی شماره ۱)

مؤسسه استثنایی عصای سفید

مؤسسه استثنایی عصای سفید به عنوان یکی از باسابقه ترین تشکلهای غیردولتی در امور نابینایان، با بنایی دو طبقه و در زمینی به وسعت ۴۴۰ متر، در خیابان سیدجمالالدین اسدآبادی قرار دارد. این مؤسسه در سال ۱۳۶۹ با هدف ارائه خدمات رایگان به نابینایان و کم بینایان به خصوص قشر تحصیل کرده، در زمینه های فرهنگی، اجتماعی، هنری، آموزشی و رفاهی، به اهتمام استاد محمدرضا نامنی و همسرش شهره کسمایی^۱ تأسیس شد.

نامنی در سال ۱۳۲۳ در تهران متولد شد و به تدریج بینایی خود را از دست داد. وی دارای درجه کارشناسی ارشد در رشته آموزش خاص نابینایان، دبیر آموزش و پرورش و مدرس واحدهای ویژه نابینایان در دانشگاه های مختلف بود. نامنی نخستین کتابخانه گویا در وزارت آموزش و پرورش را تأسیس کرد و پس از فوت دوست و همکارش دکتر محمد خزائلی، از سال ۱۳۵۳ مدیریت علمی و توانبخشی آموزشگاه خزائلی را به مدت سیزده سال برعهده گرفت. او که نخستین مدیر نابینای کشور در آموزش و پرورش بود، سرانجام روز ۲۲ دی ماه ۱۳۸۰ در سن ۵۷ سالگی در اثر بیماری بدروید حیات گفت. سه تألیف با عناوین سیری گذرا در آموزش و توانبخشی معلولان بینایی، نخستین گام (راهنمای عملی برای اولیای دانش آموزان نابینا و کم بینای پیش دبستانی) و تحول روانی آموزش و توانبخشی نابینایان از وی به جای مانده است.

۱. اهداف

- اهداف مؤسسه بر اساس اساسنامه ای که در سال ۱۳۶۹ به ثبت رسیده، بدین شرح است:
- ارائه طرحها و پیشنهادهای کارشناسی در زمینه پیشگیری، آمارگیری، توان دهی، دانش اندوزی و اهتمام در آگاه کردن افراد جامعه به رعایت حقوق اجتماعی نابینایان
 - تشویق و ترغیب و ارشاد دانش اندوزان نابینا به کسب مهارتهای علمی، هنری و صنعتی

۱. رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل شورای مرکزی تشکلهای نابینایان کشور و عضو هیئت امنای «مؤسسه استثنایی عصای سفید».

- اهتمام در به کارگیری خدمات داوطلبانه مردمی به ویژه خدماتی که تعالی علمی نابینایان را فراهم می آورد و عرضه آنها به نابینایان واجد شرایط
- تأمین نیازهای مالی^۱ مددجویان در زمینه امور رفاهی، فرهنگی، هنری، علمی، اقتصادی و اجتماعی و برگزاری کلاسها یا دوره های مختلف به منظور ایجاد فرصتهای برابر برای یادگیری افراد نابینا و کم بینا.

۲. وظایف

- ارتباط با مؤسسه ها، جوامع و تشکلهای داخلی و خارجی
- ارائه خدمات مشاوره ای به افراد نابینا و خانواده های دارای فرزند نابینا
- برگزاری کلاسهای هنری، آموزشی، موسیقی، صنایع دستی، تئاتر، رایانه، فن بیان و قالبیابی^۲
- آموزش خط بریل، مهارت های فردی و درسهای تقویتی
- تهیه نوارهای صوتی کتابهای مختلف به ویژه کتابهای درسی
- برگردان کتابهای مختلف به خط بریل از جمله کتابهای موسیقی
- تأمین وام قرض الحسنه
- برگزاری برنامه های اردویی، تفریحی و تربیتی
- انتشار گاهنامه داخلی مؤسسه.

۳. ارکان و تشکیلات

به طور کلی مؤسسه استثنایی عصای سفید بر مبنای اساسنامه خود، محور فعالیتهایش را بهبود

۱. مسئله تحصیل و به ویژه ورود به دانشگاه، چه به لحاظ پرورش ذهنی و روحی و چه به لحاظ افزایش فرصتهای شغلی، فوق العاده اهمیت دارد، به همین جهت مؤسسه، هم اکنون به حدود ۱۰۰ تن از اعضای خود کمک هزینه تحصیلی اعطا می کند. به گفته مسئول روابط عمومی مؤسسه «این کمک از ۵ تا ۲۵ هزار تومان در ماه است که هرچند رقم قابل اعتنایی نیست، از توجه به این امر مهم - در حد مقدرات مؤسسه - حکایت دارد.»
۲. مؤسسه افزون بر تشکیل کلاسهای آموزشی مختلف در محل مؤسسه، جهت برگزاری دوره های مذکور در مؤسساتی که علاقه مند به همکاری با نابینایان هستند همکاری می کند. در حال حاضر نیز این همکاری با مؤسسه ادبیات و هنر صدا و سیما در زمینه تشکیل کلاسهای هنری و نیز موزه فرش ایران به منظور آموزش قالبیابی وجود دارد.

کیفیت زندگی نایبانیان و آموزش و اشتغال آنها قرار داده است. پیگیری و اجرایی کردن برنامه‌های یادشده، برعهده ارکان مؤسسه است که از هیئت امنا، مدیرعامل و کمیته‌های مختلف تشکیل می‌شود. هیئت امنا ۷ عضو دارد و در رأس هرم تشکیلاتی مؤسسه قرار می‌گیرد. مسئولیت اجرای مصوبات هیئت امنا را مدیرعامل، که منصوب هیئت امناست، برعهده دارد. کمیته‌هایی نظیر کمیته آموزش، کمیته روابط بین‌الملل، کمیته مالی، کمیته مشارکتهای مردمی و کمیته هنر نیز زیر نظر مدیرعامل به اجرای وظایف می‌پردازند. ۶ نفر کارمند ثابت، ارائه خدمات موضوع مأموریت مؤسسه را برای حدود ۱۰۰۰ مددجو برعهده دارند. نیروهای داوطلب نایبنا و افراد خیر بینا از دیگر افرادی هستند که مؤسسه را در انجام امور یاری می‌دهند.

مؤسسه به عنوان یک NGO به شیوه‌های مختلف از نایبانیان حمایت می‌کند که برخی از آنها عبارتند از: ۱. فراهم آوردن امکانات جهت استفاده از کلاسهای آموزشی به صورت رایگان، ۲. پرداخت کمک هزینه تحصیلی و کمک مالی ماهانه، ۳. ارسال کالای مورد نیاز مددجویان نظیر ارسال عصا و... از طریق پست و ۴. ارائه خدمات آموزشی پستی نظیر ارسال نوار، کتاب با خط بریل و غیره.

۴. تأمین منابع مالی

چنانکه گفته شد مؤسسه استثنایی عصای سفید سازمانی غیردولتی است و برای تأمین هزینه‌های خود نمی‌تواند به منابع دولتی متکی باشد. هرچند عصای سفید در یک نوبت از نهاد ریاست جمهوری کمک مالی دریافت کرده است و در کنار آن، از کمکهای محدود و موردی سازمان بهزیستی و آموزش و پرورش استثنایی نیز برخوردار می‌شود، شاید مهمترین منبع مالی مؤسسه، صرف نظر از درآمدهای حاصل از بازارهای نیکوکاری، کمکهای مردم خیر و همچنین کمکهای هیئت امنای عصای سفید است.

۵. فعالیتهای

دامنه فعالیتهای مؤسسه استثنایی عصای سفید بسیار وسیع است و از شرکت در همایشهای بین‌المللی و ارتباط با اتحادیه جهانی نایبانیان تا ارائه خدمات مختلف در شهرستانها را در بر

می‌گیرد. برای مثال مؤسسه هر سال، دو همایش برگزار می‌کند. یک همایش در روز جهانی نابینایان (بیست و سوم مهرماه) و دیگری همایش سالانه (جشن همدلی) است که در اسفندماه هر سال برگزار می‌شود. در طول برنامه‌های همایش سالانه، مسائل خُرد و کلان نابینایان و همچنین معرفی نابینایانِ موفق مطرح می‌شود.

از دیگر فعالیتهای عصای سفید، برگزاری بازارهای نیکوکاری مختلف در طول سال است. برای مثال، در سال ۱۳۸۲ یک بازار در فرهنگسرای نیاوران و چند بازار در محل مؤسسه برگزار شد که هر یک از این بازارها بین سه تا چهار روز ادامه داشت. همچنین برگزاری جشنهای مختلف، از برنامه‌های عصای سفید است و بخش بانوان نیکوکار مؤسسه، مسئولیت پذیرایی در این جشنها را برعهده می‌گیرد. افزون بر این، هر ساله در روز تولد حضرت فاطمه (س) برنامه مولودی‌خوانی مخصوص بانوان برگزار می‌شود. از دیگر برنامه‌های مذهبی مؤسسه، برگزاری مراسم افطاری ماه رمضان طی ۵ تا ۱۰ شب و دعوت به شرکت در عزاداریهای تاسوعا و عاشورا و تدارک و سایل ایاب و ذهاب و صرف نهار طی این دو روز است.

یکی از برنامه‌های مهم عصای سفید، مهیا کردن زمینه ازدواج برای نابینایان است. در این مورد مؤسسه با بررسی همه‌جانبه، با خانواده‌های افراد داوطلب گفتگو و با رعایت نکات پزشکی، شرایط ازدواج آنها را فراهم می‌کند. از سوی دیگر به جهت درگیر ساختن نابینایان با زندگی اجتماعیِ فعالتر، هر ساله چندین نوبت، دیدار از مراکز صنعتی تدارک دیده می‌شود و حتی برای بهره‌گیری بیشتر، توضیحات متخصصان بر روی نوار، ضبط و به افراد علاقه‌مند ارائه می‌شود.

علاوه بر فعالیتهای موردی که ممکن است از قبل پیش‌بینی نشده باشد - نظیر فاجعه زلزله بم که مؤسسه موفق به جمع‌آوری و ارسال مقدار قابل توجهی لباس، وسایل گرمایی و مواد غذایی به این شهر شد - عصای سفید فعالیتهای جانبی متعددی نیز در شهرستانها دارد که از آن جمله است راه‌اندازی کتابخانه نابینایان در رشت و زاهدان و فرستادن قرآن کریم به خط بریل برای نابینایان زنجان.

چنانکه گفته شد، علاوه بر فعالیتهای ذکر شده، مؤسسه مجموعه‌ای از برنامه‌های آموزشی و تفریحی را برای نابینایان مد نظر دارد. آموزش خط بریل، موسیقی، زبانهای خارجی، ضبط نوار از خواندن کتابهای داستان یا کتابهای علمی و تدارک برنامه‌های گردش دسته‌جمعی، بخشی دیگر از فعالیتهای عصای سفید است.

یکی از فعالیت‌های مهم برای ارتقای توان شخصیتی نابینایان، کمک به جنبه‌های روحی و معنوی و توجه به سامان شخصیتی آنهاست. در این زمینه، گردشگری و سفر به شهرهای مختلف نقش مهم و اساسی دارد. مسئول روابط عمومی مؤسسه در مورد چگونگی تدارک این گونه مسافرتها در مؤسسه استثنایی عصای سفید می‌گوید: «ما هر ساله در برنامه گردشگری خود، حتماً بازدید از شهر قمصر کاشان را در نظر می‌گیریم. دوستان نابینای ما به دلیل بوی خوش گل و تأثیراتی که از آن می‌گیرند، حتی نوع گلابگیری را تا ۹۰ درصد بدرستی تشخیص می‌دهند و آنقدر احساس خود را زیبا توصیف می‌کنند که باعث تعجب می‌شود. همچنین شهرهای شمالی و باغات اطراف تهران از مکانهایی است که غالباً به آنجا سفر می‌کنیم. در این مسافرتها آنها عمیقاً شادمان هستند و توصیفهای زنده‌ای از محیط اطراف می‌کنند.» وی می‌افزاید: «جالب است بدانید که با تغییر آب و هوا و تغییرات محیط، آنها نیز تحول روحی پیدا می‌کنند. در این مسافرتها از دوستان نابینا می‌خواهیم که هر یک درباره دیدگاه‌های خود نسبت به مسائل مختلف سخن بگویند». جدا از آنچه گفته شد، عصای سفید فعالیتهای دیگری نیز انجام می‌دهد که بخشی از آن به شرح زیر است:

۱. اطلاع‌رسانی جهت آگاه کردن مردم جامعه نسبت به مسائل و مشکلات معلولان بینایی و شناخت هرچه بیشتر مردم از توانیهای افراد نابینا و حقوق آنها در اجتماع
۲. انتشار کتاب در جهت آگاهی بیشتر جامعه نسبت به مسائل نابینایان و چگونگی برقراری ارتباط با این افراد. تاکنون دو عنوان کتاب با سرمایه‌گذاری مؤسسه به چاپ رسیده است: ۱. من نابینا نیستم فقط خوب نمی‌بینم؛ ۲. دانش آموز با مشکل بینایی در کلاس درس
۳. هماهنگی با منشی امتحانات برای همراهی افراد نابینا جهت برگزاری امتحانات و همراهی آنها در کتابخانه‌ها، ادارات و سازمانهای مختلف
۴. اطلاع‌رسانی به سازمانهای دولتی در زمینه نیازهای ویژه این افراد در جامعه جهت تسهیل ارتباطات و رفت و آمد (مانند همکاری با شهرداری منطقه ۶ تهران برای بهینه‌سازی خیابان یازدهم، نصب چراغ چشمک‌زن و تابلوهای متعدد برای تردد آسانتر نابینایان).

۶. مشکلات

به گفته مسئول روابط عمومی مؤسسه «یکی از مهمترین مشکلات نابینایان، یافتن شغل مناسب است. کارفرماها غالباً بر این اعتقاد هستند که فرد نابینا از کارایی لازم برخوردار نیست، اما برخلاف

این تصور، نابینایان از ظرفیت ذهنی بالایی برخوردارند و حتی سالانه، تعداد بسیار زیادی از آنها به دانشگاه‌ها راه پیدا می‌کنند و جالب اینکه در آزمون سراسری سال گذشته، یک نابینا، رتبه هفتم کنکور را به دست آورد. مسئله اشتغال صرف‌نظر از اهمیت اقتصادی، به جهت روحی نیز برای نابینایان اهمیت دارد». وی می‌افزاید: «به هر حال باید بدانیم که اگر یک نابینا دارای شغل و منزلت اجتماعی نباشد و به دلیل این معلولیت خانه‌نشین شود، دچار افسردگی می‌شود، احساس مفید بودن را از دست می‌دهد، اعتماد به نفس او خدشه‌دار می‌شود و در نتیجه، فاقد حس رضایت‌مندی نسبت به زندگی خواهد بود. بنابراین، به جهت ممانعت از بروز این وضع ناگوار باید به آموزش و اشتغال نابینایان با جدیت بیشتری بپردازیم».

از دیگر مسائل رایج، فقدان آموزش عمومی به مردم عادی در برقراری ارتباط با نابینایان است. همین امر سبب می‌شود بسیاری از برخوردها که با انگیزه‌های انسان‌دوستانه صورت می‌گیرد، به گونه‌ای، در نابینایان حس ترحم نسبت به آنها را تداعی کند. در واقع مهمترین مشکل نابینایان این است که حضور آنها در جامعه، خانواده، یا محیط کار، متمایز و غیرعادی تلقی شود. با این‌همه برخورد عادی و به اصطلاح غیرمتمایز، باید با این توجه صورت گیرد که بخشی از مشکلات طبیعی آنها را حل کند.

۷. نیازها و انتظارات

مسئول روابط عمومی مؤسسه استثنایی عصای سفید در مورد اشتغال نابینایان می‌گوید: «در حد ارتباطاتی که داریم برای برخی از آنان کاریابی کرده‌ایم». وی در پاسخ به این پرسش که آیا در مؤسسه بخش فعالی به نام کاریابی دارید؟ چنین پاسخ می‌دهد: «یک بخش مجزا که صرفاً کار شغلیابی را انجام دهد، نداریم. امکانات ما محدود است و برای یک بخش مجزا و مهم به نام بخش شغلیابی احتیاج به امکانات بیشتری داریم». وی می‌افزاید: «ما در حال حاضر نیاز داریم که ساختمان فعلی عصای سفید را به چند ساختمان گسترش دهیم. هم‌اکنون به دلیل محدودیت و کمی امکانات، به جای اینکه کلاسهای مؤسسه هفته‌ای سه بار تشکیل شود، یک بار تشکیل می‌شود. در عین حال با وجود تعداد زیاد نابینایان، باید اقرار کنیم که کتابخانه‌ای کامل و منسجم و مجهز به خط بریل نداریم. اگرچه نابینایان ما، مانند نابینایان دیگر کشورها براحتهی وارد مراکز عالی دانشگاهی و مراکز علمی و

فرهنگی می‌شوند. متأسفانه امکانات و خدمات‌دهی راحت و رایگان نداریم که در تمام مقاطع تحصیلی به آنها ارائه شود».

۸ برنامه‌های آتی

«آبرنگ‌ها و رنگین‌کمان‌ها، نقش‌ها و چشم‌اندازهای لطیف که فرشینه‌ای از احساسات خواهد بود، بافته از رشته‌های رؤیا، ما را بر آن می‌دارد تا با گام‌هایی استوارتر، نگاه‌هایی مطمئن‌تر و قلب‌هایی عاشق‌تر، سرمشق‌فردایی زیباتر را قلم بزنیم». مؤسسه استثنایی عصای سفید با شعار فوق برنامه‌های آتی خود را به شرح زیر بیان می‌دارد:

۱. تشکیل کارگاه‌های حمایتی از طریق برنامه‌های تعاونی
۲. افزایش کمک‌هزینه‌های تحصیلی و بورسهای دانشجویی و دانش‌آموزی
۳. گسترش دوره‌های آموزشی، هنری و توانبخشی بنا به نیاز مددجویان
۴. گسترش ارتباط با واحدهای مختلف تخصصی به منظور همکاری در تشکیل دوره‌های مهارت‌های جدید.

رسانه‌های ویژه نابینایان

هرچند پیوسته بر جذب نابینایان در متن جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، تأکید می‌شود، در عین حال ویژگی‌های جسمانی آنها باعث می‌شود بسیاری از ابزارهای عادی زندگی به جهت قابل استفاده شدن برای نابینایان، تغییر شکل دهد. یکی از مهمترین این ابزارها، رسانه‌های نوشتاری است که سهم عمده‌ای در ارتقای فرهنگی، اعتماد به نفس و ایجاد ارتباط‌های فعال میان نابینایان دارد.

در حال حاضر تنها روزنامه‌ای که به طور اختصاصی، برای نابینایان منتشر می‌شود، روزنامه ایران سپید است. ایران سپید، به عنوان تنها روزنامه‌ای که برای نابینایان در منطقه خاورمیانه انتشار می‌یابد، هم‌روزه اخبار و اطلاعات علمی، فرهنگی و اجتماعی را با خط بریل در اختیار آنها قرار می‌دهد. اگرچه تاکنون، این روزنامه قدم مهمی در جهت ورود نابینایان به حوزه رسانه‌ها و گسترش حوزه آگاهی‌های آنها ایفا کرده است، در عین حال نیاز به کسب اطلاعات و اخبار از طریق سایر

وسایل ارتباطی جمعی به ویژه رادیو و تلویزیون، همچنان اهمیت فراوانی دارد. انتظار مددجویان نابینا این است که "سیمای جمهوری اسلامی ایران، همچنان که برای ناشنوایان برنامه‌های ویژه تهیه کرده است، برای نابینایان نیز چنین برنامه‌هایی را تولید و در ساعتهایی از روز ارائه کند". به گفته یکی از نابینایان "در حال حاضر باگوش فرادادن به برنامه‌های تلویزیونی تمام مطالب برای ما مفهوم نمی‌شود. بدیهی است برنامه‌های تلویزیونی ویژه نابینایان، چارچوب خاصی می‌طلبد". و برای این کار باید از متخصصان مربوط کمک گرفت.

سخن آخر

مؤسسه استثنایی عصای سفید، به‌رغم تلاشها و خدماتی که ارائه می‌دهد، با همه محدودیتهایی که یک NGO در ایران دارد، مواجه است؛ بنابراین افزون بر لزوم پشتیبانی‌های سازمان‌یافته دولتی، برای باروری بیشتر کوششهای خود، به هماهنگی و همکاری با سایر تشکلهای غیردولتی نیاز دارد که در امور مربوط به نابینایان فعالیت می‌کنند. طبیعتاً این امر مستلزم صبر و تحمل و تن دادن به زمان لازم برای شکل‌گیری فرهنگ کار جمعی است.

تجربه‌های بومی و جهانی نشان می‌دهد که نابینایان در صورت برخورداری از آموزش، به سطوح بالای فکری و علمی دست می‌یابند، اما چنانچه آموزش مورد نظر به شکل سازمان‌یافته و در ابعاد ملی صورت نپذیرد، دستاوردهای بزرگ انسانی و اجتماعی را نیز در برنخواهد داشت.

نابینایان در کنار سایر افراد موسوم به "معلول" بخشی از عناصر سازنده جامعه هستند و تلاش برای ورود آنها به عرصه‌های اجتماعی، دستاوردهای ارزشمندی خواهد داشت. در ایران به لحاظ قانونی، در این خصوص تمهیداتی اندیشیده شده است و مطابق قانون دولت وظیفه دارد سه درصد از کارکنان مورد نیاز خود را از میان معلولان عادی تأمین کند اما بعید به نظر می‌رسد که در عمل، به این وظیفه توجه چندانی شده باشد.

باید نابینایان و حتی دیگر افرادی را که از تواناییهای جسمی معمول برخوردار نیستند، از خانه بیرون بیاوریم و از انزوای منازل به محیط پرهیجان جامعه بکشانیم و در وهله اول، بیش از آنها، به خودمان بقبولانیم که آنان بخشی دیگر - و نه متمایز - از هستی بشری هستند که در عملی مشترک، دریافت ما را از جهان پیچیده اطراف تکوین می‌بخشند و آن را کاملتر می‌سازند.